

یک سند ارزشمند تاریخی پیام اتحادیه کارگران ایران به کارگران آذربایجان به مناسبت اول ماه مه - ده اردیبهشت ۱۳۱۰

در اردیبهشت ۱۱، ۱۳۸۹ 314

یک سند ارزشمند تاریخی

پیام اتحادیه کارگران ایران به کارگران آذربایجان

به مناسبت اول ماه مه - ده اردیبهشت ۱۳۱۰

«محو باد اصول و قوانین استبدادی حکومت... و مجلس او!»

محو باد فشار ملی که تمام ملل اقلیت را در زیر پای یک مشت آقایان و مفت خوران فارس اسیر کرده!»

(بیانیه اول ماه مه)

پیام اتحادیه کارگران ایران خطاب به کارگران آذربایجان بمناسبت ۱۰ اردیبهشت سال ۱۳۱۰ (اول ماه مه ۱۹۳۱) یکی از معدود اسناد و اعلامیه های بجای مانده از کوششهای مخفی آزادیخواهانه در دوران استبداد رضاشاهی است. این بیانیه در آستانه روز جهانی کارگر مخفیانه در تبریز تهیه و توزیع شد و شب دهم اردیبهشت سال ۱۳۱۰ شمسی، در محله دوه چی تبریز نسخه ای از آن بدست ماموران نظمیه افتاد. بروایت اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران، کشف این اعلامیه سبب خشم بسیار دستگاه استبداد رضاشاهی گشته و به دستگیریها و سرکوب وسیع گروهی از آزادیخواهان تبریز انجامیده است. هر چند رئیس نظمیه منطقه شمالغرب - سرهنگ سیف - در گزارش خود به ایالت (استاندار) آذربایجان، انتشار این اعلامیه را - بر طبق یک عادت جا افتاده، نخست به مامورین دولت شوروی نسبت داد، ولی چندی بعد آشکار شد که گروهی ۳۰ نفره - که دستکم ۲۳ نفر آنها کارگران جوراب باف، قالیباف و ... بودند- و به «فرقه کمونیست ایران» بستگی داشتند، نویسنده و ناشر اعلامیه بوده اند. گذشته از ارتجاع داخلی، روزنامه بیلدیریش چاپ استانبول (شماره ۵۳، ۲۴ مرداد ۱۳۱۰) نیز همزمانی پخش این اعلامیه در محله دوه چی تبریز با آتش سوزی انبار سلاح در این شهر و قورخانه تهران را خاطرنشان ساخته و از این طریق ارتجاع ایران را تشویق به سرکوب آزادیخواهان آذربایجان نمود. پیام اتحادیه کارگران ایران خطاب به کارگران آذربایجان که شعار «رنجبران روی زمین متحد شوید!» را بر پیشانی دارد پس از تبریک اول ماه مه به کارگران آذربایجان، به فلاکت زحمتکشان ایران، غارتگریهای ملاکان و در راس آنها «پهلوی»، خفقان سیاسی و... اشاره می کند و کارگران را به سوی اتحادیه صنفی و «مبارزه با جلادان صنف کارگر» فرا می خواند. خواستهایی که بعنوان مطالبات مشخص و فوری کارگران آذربایجان طرح شده اند، نشانگر وضع زندگی توده کارگر آذربایجانی و نیازهای عاجل آنان در آندوره است. «بیانیه بمناسبت اول ماه مه» همچون هر سند تاریخی دیگر از زوایای گوناگون نیازمند بررسیهاست و پیدایش و پیامدهای آن را نیز باید جداگانه مورد بررسی قرار داد. ولی در این یادداشت کوتاه باید به یک نکته بسیار بدیع و با اهمیت در آن تاکید نمود. و این نکته آنست که کوشندگان نهضت بجای صدور شعارهای کلی و یکسان و «متمرکز» از مسیر تهران برای سرتاسر کشور، اساسی ترین نیازهای کارگران و زحمتکشان محل - یعنی آذربایجان را در نظر داشته اند. این موضوع خود را هم در شعارهای ویژه

صنفا و هم در برخورد قاطعانه با ستم ملی بر ملیتهای غیرفارس - و در این مورد بخصوص آذربایجان- نشان می دهد.

بیانیه بهنگام بر شمردن اساسی ترین وجوه ستمگری بر صنف زحمتکش، از جمله به «فشار ملی ... نسبت به ملل اقلیت» نیز اشاره می کند و با دو شعار زیر خاتمه می یابد:

«محو باد اصول و قوانین استبدادی حکومت پهلوی و مجلس او!

محو باد فشار ملی که تمام ملل اقلیت را در زیر پای یک مشت آقایان و مفت خوران فارس اسیر کرده!»

بی تردید این شیوه برخورد به مسئله ستم ملی کاربست رهنمودهای کنگره دوم فرقه کمونیست ایران است. می دانیم که جبهه گیری آشکار علیه ستم ملی بر ملیتهای غیر فارس ایران یکی از مسائل اساسی مورد تاکید کنگره دوم بود که بازتاب خود را در اسناد مصوبه نشان داد: «... فرقه کمونیست ایران موظف است با تمام وسایل طرفداری خود را نسبت به آزادی کامل ملل مظلومه ساکنه ایران از قلاده سلطنت آنگلو - رضاشاه که موجب تضییقات و رقیت ملل اقلیت و بلکه عموم توده زحمتکش است اعلام و ابراز نماید.

فقط با اتحاد کلیه قوای انقلابی کارگران و دهاقین و ملل مظلومه ساکنه در حدود ایران است که اعدام و هلاک ازدهای ارتجاع و رقیت امکان پذیر خواهد گردید.»^۱

مقاله مفصلی که تحت عنوان «مسئله ملیت و زبان در ایران» در شماره سوم و چهارم مجله ستاره سرخ - ارگان کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران- انتشار یافت، بازتاب این تاکید است. بر اساس گزارش کمیسیون تحقیق نظمیه آذربایجان (۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۰) سازمان فرقه کمونیست در تبریز این موضوع را در کنفرانس مخفی خود مورد بررسی قرار داده بود. می دانیم که این حساسیت علیه ستم ملی در ایران از یکسو ناشی از وزن و اتوریته بسیار نیرومند آذربایجانیان در جنبش سوسیال دموکراسی، کارگری و کمونیستی ایران تا تشکیل حزب توده ایران بود. پس از پایان فعالیت فرقه کمونیست ایران و تشکیل حزب توده ایران و دوره های بعد، این ترکیب تغییر یافت، این حساسیت کمرنگ شد و در مواقعی دگرگونه گشت.)^۲

بهر صورت این اعلامیه را از یک نظر باید نمایانگر اعتراض فرقه کمونیست ایران علیه ستم ملی در ایران دانست و از طرف دیگر بعنوان یکی از نخستین اسناد تاریخی و مکتوب اعتراض آذربایجانیان علیه سرکوب و تحقیر و رقیت (بردگی) ملی بحساب آورد .

خواسته های مشخص دیگری که در اعلامیه آمده اند بیانگر گوشه هایی از شرایط کار و زندگی و نیز بعضی نیازهای کارگران آذربایجان در دوران رضا شاه هستند. در این بخش نیز در کنار تاکید بر مطالبات عمومی کارگران سرتاسر ایران (ضرورت تدوین قانون کار با شرکت نمایندگان صنف زحمتکش، روز کار ۸ ساعته، بیمه و ...)، بر مسائل ویژه آذربایجان - بطور مشخص مطالبات قالیپافان - نیز تاکید شده است.
(۳)

از جمله این شعارها، باید بر خواسته «لغو اصول سرخط در کارخانه های قالیپافی» تاکید کرد. این شعار که با این بیان، دستکم برای روزگار ما نامفهوم می نماید - یادآور یکی از وحشیانه ترین جوانب استثمار

کارگران قالیباف در آذربایجان (بویژه تبریز و اطراف آن) است. روزگار درازی صاحبان کارخانه های قالیبافی، در برابر پرداخت اندکی پول به کارگران و یا والدین تهیدست و یا سرپرستان نیازمند (و یا آزمند) کودکان یتیم تهیدست، نیروی کار آنان را برای مدتی - که معمولاً یکسال بود، می خریدند و با بیرحمی تمام - با پرداخت پولی در حد هیچ- روزانه ۱۶- ۱۰ ساعت تمام بکار و می داشتند. در عرض این مدت کارگر مجاز به تعطیل کار و یا کار در جای دیگر نبود. این بردگی آشکار بخش قابل توجهی از نیروی کار قالیبافان تبریز را تشکیل می داد.

بنابراین «تقاضای لغو وصول سرخط»، تقاضای لغو «خرید» کارگر از تاریخ معینی تا تاریخ معین است. پس از آنکه آزادیخواهان آذربایجان برهبری فرقه دموکرات قدرت را در این ایالت بدست گرفتند، قانون کار جدید مصوبه حکومت ملی، در ماده ۴۵ خود «سرخط» را نیز لغو کرد. (ناگفته نباید گذاشت که آذربایجانیان عضو فرقه کمونیست ایران و بقایای سازمان آن در آذربایجان یکی از پایه های اساسی فرقه دموکرات را تشکیل می دادند. جعفر کاویانی (یکی از مسئولین اصلی انتشار این اعلامیه)، پس از نهضت ۲۱ آذر سال ۲۴، بعنوان وزیر ارتش خلق - خلق قوشونلاری وزیرلیگی- از جمله رهبران حکومت دموکراتیک آذربایجان بود). پس از شکست نهضت، تهران و ارتجاع آذربایجان «سرخط» را مجدداً احیا کرد.

متن چاپی اعلامیه - به همراه مکاتبات پلیسی میان تهران و تبریز در باره آن و پاره ای اسناد دیگر - نخستین بار در مجموعه «فعالیت‌های کمونیستی در دوره رضا شاه ۱۳۰۰-۱۳۱۰» از انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، (تهران ۱۳۷۰) بکوشش آقای کاوه بیات انتشار یافت. کلیشه بخشی از همین اسناد را آقای حمید احمدی در سال ۱۳۷۱، بضمیمه مجموعه «ستاره سرخ - ارگان کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران ۱۳۱۰-۱۳۰۸» در برلین، بدون هیچ توضیحی درباره اسناد منتشر کرد. مجموعه سازمان اسناد ملی کاملتر از ضمیمه های «ستاره سرخ» اند ولی ویراستار اسناد ملی بهنگام تهیه نسخه چاپی اشتباهاتی - هرچند جزئی - را مرتکب شده است که پژوهشگر تاریخ را ناگزیر از مراجعه به اسناد آقای احمدی می کنند. با اینهمه، در چاپ اعلامیه مورد نظر از هر دو منبع سود جسته ایم. در یک مورد بخاطر پوسیدگی سند، چند کلمه ناخوانا وجود داشته که بطن قوی چیزی جز «عبارت از» نبوده است. من این چند کلمه را در درون [...] مشخص کرده ام. نکته دیگر آنکه در متن اصلی اعلامیه در جایی عبارت «دست شمار بی رحمانه صنف زحمتکش» آورده شده و ویراستار سازمان اسناد ملی بدون توجه به معنی آن، عین همین عبارت را تکرار کرده است. روشن است که «دست شمار» فاقد معنای منطقی است. و با توجه به پس و پیش آن، جز «استثمار بی رحمانه صنف زحمتکش» چیز دیگری نیست و بی تردید در نتیجه کم دقتی رونویس کننده اعلامیه پیش آمده و از نظر مصحح دور مانده. بنابراین مسئولیت قرار دادن کلمه «استثمار» بجای «دست شمار» بر دوش من است.

۷۵ سال از انتشار این بیانیه می گذرد، چهره جهان فرق فراوان کرده است. آرایش طبقاتی جامعه دگرگون گشته، ولی برخی شباهت نیازها و خواسته های عاجل شگفت انگیزند. الغای استبداد، تامین آزادیهای دموکراتیک، لغو ستم ملی بر ملیتهای غیر فارس و بهبود وضع زندگی توده زحمتکش همچنان خواسته های عاجل آزادیخواهان ایران است.

۱، این عبارات را از کلیشه مجله ستاره سرخ سال اول، شماره سوم و چهارم نقل کردیم
۲، بحث پیرامون این موضوع را به فرصتی دیگر وا می گذاریم.

۳، کارگران قالیباف بخش قابل توجهی از طبقه کارگر آذربایجان را تشکیل می دادند و سوسیال دموکراتها و سازمان آذربایجان فرقه کمونیست ایران توجه ویژه ای به این قشر داشتند. سلطانزاده در «ایران معاصر» (۱۹۲۲) صفحاتی را به تشریح شرایط کار و زندگی توانفرسای قالیبافان تبریز اختصاص داده است. (اسناد تاریخی جنبش کارگری ... ج ۴ ص ۱۰۲)

بیانیه

بمناسبت اول ماه مه

رنجبران روی زمین متحد شوید!

اول ماه مه (دهم اردیبهشت) روز مبارزه زحمتکشان دنیا محسوب شده و با خون هزاران کارگر امریکا و اروپا رسمیت پیدا نموده است. در این روز کارگران به تحدیدات پلیس اهمیت نداده و با بیرقهای سرخ و با شعارهای انقلابی فوج فوج در خیابانها نمایش می دهند.

کارگران ایران نیز باید به نوبه خود این روز را روز مبارزه شمرده و با زحمتکشان دنیا هم قدم شوند. اتحادیه کارگران ایران با این بیانیه به کارگران آذربایجان این عید کبیر بین المللی زحمتکشان را از صمیم قلب تبریک می گوید.

امروز که در سرتاسر مملکت ایران بحران اقتصادی حکمفرما بوده ، قیمت پول ایران تنزل پیدا کرده، مزد کارگران روز بروز کمتر شده، اهالی از گرسنگی با مرگ هماغوش می شوند؛ علت اصلی آن عبارت از این است که امورات مملکت در دست یک عده ملاک و غارتگران است که در راس آنها پهلوی واقع شده و با استثمار بی رحمانه صنف زحمتکش ایران یکصد و هشتاد میلیون دلار در بانگ ملی نیویورک شعبه لندن برای تامین آتیه خود ذخیره نموده است و امروز سردسته غارتگران، پادشاهی خود را افتخار دانسته با مخارج گزاف اعیاد مخصوص به خودش را جشن می گیرد. بر عکس تمام فرق سیاسی و اجتماعات کارگری را غارت و خفه نموده و فشار ملی را نسبت به ملل اقلیت بدتر از حکومت تزاری روسیه اجرا می نماید. جراید فعلی که مداح و کاسه لیس حکومت پهلوی هستند این همه آه و ناله گرسنگی و بیکاری ایرانیان را در نظر عالمیان و زحمتکشان ایران پرده پوشی نموده، اسم منحوس پهلوی را با خط های درشت درج نموده و یگانه ناجی ایران می نامند!

رفقا! فشار اقتصادی فعلی مملکت حیات مارا هر آن تهدید می نماید. حکومت ملاکی و مجلس « شورای ملی» ذره ای به حال ما اعتنا نکرده با وضع مالیاتهای سنگین ما کارگران را مجبور می نماید که اطفال ۷ ساله و مادر ۷۰ ساله خود را بکار واداریم! بنابراین برای ما زحمتکشان نه از مجلس و نه از شاه راه نجات نبوده فقط یگانه راه نجات برای ما کارگران، [عبارت از] دخول به تشکیلات اتحادیه های صنفی و

مبارزه با جلادان صنف کارگر می باشد. کارگران ایران با همراهی زحمت کشان عالم در تحت رهبریت اتحادیه کارگران ایران و لوای سرخ فرقه کمونیست ایران می توانیم به اجرای شعارهای ذیل موفق شویم:

۱- وضع قانون زحمت با اشتراک نمایندگان حقیقی صنف زحمتکش، علنی شدن اتحادیه های کارگری، ۸ ساعت وقت کار - ازدیاد مزد کارگران، لغو اصول سرخط در کارخانه های فرشبافی و غیره، مراعات حفظ الصحه کارگران در کارخانجات، جلوگیری از کارکردن اطفال خردسال، بیمه کارگران، تامین معاش بیکاران شهر و دهات.

۲- آزادی جراید و ادبیات و اجتماعات کارگری،

زنده باد اول ماه مه عید کبیر بین المللی زحمتکشان!

زنده باد اتحادیه های صنفی کارگری ایران!

زنده باد اتحاد کارگران روی زمین!

زنده باد فرقه کمونیست ایران و بین الملل سرخ کارگران!

محو باد اصول و قوانین استبدادی حکومت پهلوی و مجلس او!

محو باد فشار ملی که تمام ملل اقلیت را در زیر پای یک مشیت آقایان و مفت خوران فارس اسیر کرده!

اردیبهشت] ۱۳۱۰]

اتحادیه کارگران ایران